

بازخوانی اهداف یک کنفرانس / خاتمی چرا یارانش را به برلین فرستاد؟

بازخوانی اهداف یک کنفرانس / خاتمی چرا یارانش را به برلین فرستاد؟

27/ زندگی و کارنامه سید محمد خاتمی

- بازخوانی اهداف یک کنفرانس / خاتمی چرا یارانش را به برلین فرستاد؟

- 20 میلیون رأی خاتمی و سوت و کف برخی دولت های خارجی، سکولارها را آنچنان متوهم کرده بود که می پنداشتند بتوانند برای براندازی جمهوری اسلامی، آشکارا دست در دست حزب کمونیست و چریک های فدایی خلق و امثالهم نیز بگذارند.

سال 1379 در حالی فرا می رسید که دو پروژه قتل های زنجیره ای و 18 تیر در رسیدن به اهداف خود ناکام مانده بود. اما در کنار این دو شکست، جریان سکولار توانسته بود اکثر کرسی های مجلس ششم را در انتخابات 29 بهمن 78 در اختیار بگیرد. در نتیجه آن دو ناکامی و این پیروزی، وضعیتی به وجود آمد که سکولارها تصمیم گرفتند برای ادامه مسیر خود، دست به هم اندیشی و تشریک مساعی با اپوزیسیون خارج نشین بزنند. آنان حتی اراده کردند نه در پس پرده ها، که به صورت «آشکارا و عمومی» با ضدانقلاب های خارج نشین دور یک میز بنشینند و به زعم خود، جلوی شکل گیری «توهم توطئه» را بگیرند. بی تردید، به دلیل فراری بودن اکثر نشینان، چنین اجتماعی نمی توانست در داخل کشور صورت گیرد و سفیران اصلاحات باید به دیدار هم فکran خود در آن سوی مرزها می رفتند: دولت آلمان به عنوان یکی از دولت های خواهان براندازی نظام دینی ایران، مسئولیت و حتی هزینه برگزاری چنین اجتماعی را به عهده گرفت.

«یوشکا فیشر» وزیر خارجه آلمان نیمه دوم اسفند 78 به ایران سفر کرد و پس از دیدار با شخص خاتمی و سایر مقامات دولتی، و نیز ابراز خرسندی درباره انتخابات مجلس ششم، (1) به کشور خویش بازگشت تا مقدمات پیوند اپوزیسیون داخل و خارج را در برلین فراهم کند. بنیادی به نام «هاینریش بل» متعلق به حزب فیشر یعنی «حزب سبز» آلمان ماموریت برگزاری این کنفرانس را به عهده گرفت و نوزدهم تا بیست و یکم فروردین 79 به عنوان زمان هم اندیشی اصلاح طلبان داخل ایران و اپوزیسیون خارج نشین تعیین شد. نام این کنفرانس نیز «ایران پس از انتخابات» نهاده شد که بعدها به کنفرانس برلین مشهور گشت. (2)

به گفته مدیران بنیاد هاینریش بل، آلمان ها می خواستند «با برگزاری این کنفرانس و اقدامات بعدی، «پلی» بین اندیشمندان، منتقدان و اصلاح گرایان داخل کشور و فعالان سیاسی و گروه های مخالف خارج از کشور برپا سازند». (3)

بر اساس آنچه در جزوه ای به نام جزوه راهنمای کنفرانس منتشر شد، مباحث مورد نظر کنفرانس برلین نیز عبارت بودند از «اصلاح فهم از اسلام، هم خوان و هم ساز کردن اصول اسلامی با موازین یک جامعه بیدار و آزاد، و جدایی دین از حکومت». (4)

در این کنفرانس افرادی با عنوان «سفیر اصلاحات» شرکت کردند که عبارت بودند از: عزت الله سبحانی، حسن یوسفی اشکوری، حمیدرضا جلابی پور، کاظم کردوانی، علی افشاری، علیرضا علوی تبار، شهلا لاهیجی، جمیله کدیور، مهرانگیز کار، شهلا شرکت، چنگیز پهلوان، محمود دولت آبادی و اکبر گنجی.

نخستین موضوعی که درباره این کنفرانس حساسیت و تعجب همگان را برانگیخت، ماهیت خود بنیاد هاینریش بل بود. این بنیاد از نظر تفکر، مخالف دین به طور عام و مخالف اسلام به طور خاص است. (5) نگاهی به سوابق چهره های مطرح حزب سبز آلمان نیز نشان می دهد که این حزب در حقیقت در زمره «یاران دشمنان» جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. چنانکه «یوشکا فیشر» از اعضای اصلی این حزب با «مسعود رجوی» سرکرده سازمان مجاهدین خلق (گروهک منافقین) رفاقت نزدیک داشته و خود حزب در مواردی میزبان دیگر اعضای این سازمان در کنفرانس ها و سمینارهای مختلف بوده است. (6) جالب اینکه فیشر حتی از علنی کردن هدف دولت آلمان از میزبانی چنین کنفرانسی ابایی نداشت: «برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ما موفق شدیم گفتگویی را در آلمان میان سکولارها و اصلاح گرایان دینی سازمان بدهیم و برگزاری این اجلاس به صورت عمومی و سهل برای علاقمندان از این جهت ضروری بود که آشکارا با تئوری های تفسیر کننده و جذاب توطئه در تعارض بود... باید در ایران تغییر بنیادین ایجاد شود... این مسأله که در داخل ایران قوای سیاسی نیز حامی این تغییر بنیادین است، نکته ای است که اجلاس آن را بطور واضح اثبات کرد». (7)

«میشل آوارس» یکی دیگر از اعضای حزب سبز و سخنگوی کنفرانس برلین، طی اظهاراتی که در روزنامه «تاکس ساتیونگ» چاپ آلمان منتشر شد، صراحتا اهداف این کنفرانس را لیبرالیزه کردن ایران عنوان کرد: «بنیاد هاینریش بل در نظر دارد با برگزاری چنین کنفرانسی هایی در ارتباط با دیدگاه های گوناگون درباره لیبرالیزه کردن نظام فعلی ایران بحث و تبادل نظر شود و سعی می کنیم با برپایی چنین کنفرانسی هایی میان نیروهای اصلاح طلب در داخل و خارج ارتباط برقرار شود». (8)

در کنفرانس برلین چه گذشت؟

در اولین روز برگزاری کنفرانس و در همان دقایق اولیه، درگیری های لفظی در میان حاضران روی داد؛ به طوری که برخی از مخالفان خواستار براندازی نظام و گروهی دیگر که شمارشان بسیار بیشتر از گروه اول بود، خواستار جدایی دین از سیاست و فروپاشی نظام ولایت فقیه در ایران از طریق اصلاحات بودند. در ادامه این جلسه دست اندرکاران کنفرانس از حاضران خواستند که برای کشته شدگان ضد انقلاب که در ایران اعدام شده اند یک دقیقه بایستند و ادای احترام نمایند. وقتی زمان سخنرانی سفیران اصلاحات فرارسید، حاضران در سالن با شعارهای «مرگ بر جمهوری اسلامی» به استقبال آنان رفتند. در همین حین، مردی که ظاهرا از اعضای چریک های فدایی خلق بوده، ناگهان لباس های خود را درآورد و به صورت لخت و عربان میان جمعیت رفت. در طرف دیگر سالن یک گروه که متعلق به حزب کارگران کمونیست بودند، زن رقصه ای را آوردند که شروع به رقصیدن کرد و هم زمان در کنار آن ویولون هم می زدند. سخنرانان اصلاح طلب نیز بی توجه به آنچه در محیط می گذشت، تا آنجا که توانستند و سر و صدا اجازه به آنها داد، سخنرانی کردند.

«احمد طاهری» با تجلیل از «عزت الله سبحانی» از سران نهضت آزادی گفت: «ایشان از مخالفان شدید حاکمیت روحانیت و ولایت فقیه است». او از خانم «مهرانگیز کار» به عنوان «ژاندارک ایران» یاد کرد و وی را «روشنفکری سکولار» خواند. طاهری همچنین «اکبر گنجی» را کسی معرفی کرد که «یکی از قدرتمندترین مردان جمهوری اسلامی ایران یعنی هاشمی رفسنجانی را از اربکه قدرت به پایین کشید». (9)

«حسن یوسفی اشکوری» از دیگر میهمانان ایرانی کنفرانس پس از ورود به سالن به خاطر بر تن داشتن لباس مشکی - که نشانه عزاداری در ماه محرم بود - مورد تمسخر حاضران قرار گرفت. اما سخنگوی بنیاد هاینریش بل در پی اعتراض عناصر ضد انقلاب با حالتی عصبی به حاضران گفت: «شما مانع از سخنان کسی می شوید که به رغم روحانی بودن، شب گذشته به من گفت که قاطعانه به دنبال جدایی دین از سیاست است». (10)

در این سمینار عزت الله سبحانی نیز طی سخنانی گفت: «مشهود است مردم در انقلاب سال 57 می دانستند چه نمی خواهند ولی نمی دانستند چه می خواهند اما آنها در انتخابات

مجلس ششم نشان دادند که چه می‌خواهند و رأی «نه» و منفی به جریانات حاکم بر کشور دادند. این انتخابات توانست پس از 20 سال جناح انحصارطلب و خشونت‌گرای حاکمیت را به گوشه انزوا بکشانند». (11)

«شهبلا لاهیجی» مدیر یک مؤسسه انتشاراتی در تهران و یکی دیگر از میهمانان کنفرانس برلین نیز، بر این عقیده بود که «باید این باور در حاکمیت پدید آید که دوران کمربندهای عفت گذشته است». (12)

پس از این مراسم، «رابرت فوکس» عضو هیأت رئیسه بنیاد هاینریش بل» در حضور میهمانان ایرانی گفت: «من به منتقدین برگزاری این سمینار می‌گویم که هیچ کس از روش‌های سرکوب‌گرانه جمهوری اسلامی دفاع نمی‌کند [تشویق حضار]. ما امیدوار بودیم که این حرکت دانشجویی [اشاره به حوادث 18 تیر 1378] بتواند مقدمه‌ای برای تحولات عمیق در جامعه ایران شود. خواست همه ما باید این باشد که دست در دست هم از اصلاحات ایران حمایت کنیم». (13)

واکنش‌ها به کنفرانس

پس از پخش گزیده‌های مختصر از موقوع کنفرانس برلین از سیمای جمهوری اسلامی ایران، ضمن آنکه شخصیت‌ها، گروه‌ها و احزاب مختلف با اتخاذ مواضع و انتشار بیانیه‌هایی انزجار خود را از محتوای کنفرانس اعلام کردند، برخی از مراجع تقلید نیز به شدت از این ماجرا انتقاد نمودند.

آیت الله نوری همدانی کنفرانس را «دهن کجی به اسلام و انقلاب» دانستند؛ آیت الله «محمد تقی مصباح یزدی» طی اظهاراتی نظر خود را این‌گونه بیان کردند که «شرکت کنندگان در این کنفرانس آبروی جمهوری اسلامی را برده اند»؛ آیت الله «امامی کاشانی» نفس پذیرفتن و شرکت در این گونه مراسم را «حرام» دانسته و این حرکت را «بی‌حرمتی به ارزش‌های انقلابی و اسائه ادب به ملت بزرگ ایران» عنوان کردند؛ آیت الله «عبدالله جوادی آملی» این کنفرانس «رقت بار و ذلت بار» را «فاقد استدلال» خواندند. در دیگر سو آیت الله «حسینعلی منتظری» حامی اصلاح طلبان در پاسخ به استفتایی درباره پخش فیلم کنفرانس از صدا و سیما نوشتند: «نمایش عمومی این قبیل صحنه‌ها در تلویزیون از مصادیق بارز اشاعه فحشا می باشد و شرعاً حرام است و واضح است که انگیزه سیاسی در کار است». (14) تظاهرات گسترده مردمی علیه این کنفرانس، بخش دیگری از واکنش جامعه ایرانی به ماجرای برلین بود.

رسانه های اصلاح طلب نیز که ظاهراً از این «بازی آشکار» پیشیمان شده بودند، همه هم خود را مصروف این کردند که بگویند صدا و سیما با پخش فیلم کنفرانس اشاعه فحشا کرده است که هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه پاسخ جالب توجهی به آنان داد: «شما هر شب در فیلم‌ها این خانم‌ها را می بینید. کسی غصه این چیزها را نمی خورد؛ لاقول شما نمی خورید». (15)

خاتمی پس از انعکاس محتوای کنفرانس در روزنامه‌ها (از جمله کیهان) سکوت اختیار کرد، اما چهار روز پس از پخش بخش‌هایی از فیلم کنفرانس از شبکه اول سیما، وقتی در جمع کارکنان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری سخن می گفت (در تاریخ سوم اردیبهشت 79)، کنفرانس برلین را محکوم نکرد، بلکه محتوای آن را «قابل تامل»، «خوب» و «معقول» خواند و در ادامه تقریباً همان سخنان آیت الله منتظری را درباره پخش فیلم کنفرانس از سیما به شکل دیگری تکرار کرد: «چه چیزی موجب شده است که مسئله به این صورت و برای تحریک احساسات مردم مطرح شود... بنده که الحمدلله موفق به دیدن کل و جزء جریان کنفرانس برلین نشدم، ولی شنیدم بعضی شرکت‌کننده‌ها حرف‌های خوب و معقول زده‌اند. آیا بنیاست تمامی کنفرانس‌ها و سمینارهایی را که از آغاز انقلاب تا کنون در خارج برگزار شده از آرشیو بیرون بکشند و نشان دهند؟» (16) خاتمی همچنین دستور داد تا بعد از آن ماجرا، به «مرتضی غرقی» خبرنگاری که فیلم کنفرانس را به تهران مخابره کرده بود، اجازه شرکت در کنفرانس‌های مطبوعاتی رئیس‌جمهور داده نشود. (17) در این میان، قوه قضائیه نیز ساکت ننشست و با احضار شرکت‌کنندگان در کنفرانس، درباره برخی از آنان احکام قضایی صادر نمود. در واکنش به این احکام، فراکسیون پارلمانی حزب سبز آلمان با صدور اعلامیه‌ای تند اقدام دادگاه انقلاب اسلامی را محکوم کرد. به زعم «محمد علی زکریایی» از نویسندگان وابسته به جریان اصلاحات که ماجرای کنفرانس برلین را در کتابی با روایت خاص و مدافعه جمع آورده است، «لحن تند اعلامیه [حزب سبز] نشان می‌داد در سطح بالای دولت آلمان تصمیم گرفته شده که سیاست حمایت از اصلاح طلبان ایران را با قاطعیت و آشکارا دنبال کند». (18)

20 میلیون رأی خاتمی و سوت و کف برخی دولت‌های خارجی، سکولارها را آنچنان متوهم کرده بود که می‌پنداشتند بتوانند برای براندازی جمهوری اسلامی، آشکارا دست در دست حزب کمونیست و چریک‌های فدایی خلق و امثالهم نیز بگذارند. کنفرانس برلین، هم پرده دیگری از چهره سکولارها را کنار زد و هم، با واکنش‌هایی که مراجع و مردم نشان دادند، جایگاه رویکرد و عملکرد آنان در میان توده ایرانیان مشخص شد.

مقام معظم رهبری آیت الله خامنه‌ای درباره اهداف پنهان کنفرانس برلین می‌فرماید: «برگزار کنندگان و جناح‌های مخالف نظام در خارج، درصد بودند کنفرانس را به جلسه محاکمه انقلاب و نظام اسلامی تبدیل کنند و با تبلیغ ناکارآمدی نظام اسلامی از زبان دعوت‌شدگان داخلی، از زبان ضدانقلاب هم این‌گونه تبلیغ کنند که اصلاحات اساسی تنها با حذف اسلام، ولایت فقیه، شورای نگهبان و حدود اسلامی یا کلاً نوشتن قانون اساسی جدید امکان‌پذیر است که خداوند این نقشه را بر هم زد». (19)

نویسنده: سید یاسر جبرائیلی / خبرگزاری فارس

کتاب «سودای سکولاریسم» به زودی توسط انتشارات مؤسسه فرهنگی خبرگزاری فارس راهی بازار نشر خواهد شد و علاقمندان، نهادها و مراکز می‌توانند شنبه تا چهارشنبه از ساعت 8 صبح تا 17 عصر از طریق شماره تلفن 021-88913277 سفارشات خرید خود را ارائه دهند.

1. روزنامه کیهان، 1378/12/17.

2. <http://kadivar.maktuob.net/archives/2007/04/26/829.php>

3. محمد علی زکریایی، کنفرانس برلین؛ خدمت یا خیانت (تهران: طرح نو، 1379) ص 12.

4. همان، ص 40.

5. سلمان علوی نیک، پیشین.

6. همان.

7. بیبا، واقعیات پنهان: نگاه عمیق و مشکافانه به عوامل و جریان‌های نفاق در ایران (تهران: انتشارات دفاع، 1383).

8. روزنامه کیهان، 1379/2/22.

9. روزنامه کیهان، 1379/1/23.

10. همان، 1379/2/6.

11. واقعیات پنهان: نگاه عمیق و موشکافانه به عوامل و جریان‌های نفاق در ایران، پیشین.

12. قمری وفا، مرتضی. پیشین.

13. همان.

14. پایگاه اینترنتی شبکه ایران، 1389/1/31.

15. محمدعلی زکریایی، پیشین، ص 30.

16. سید محمد خاتمی، مردم سالاری (تهران: طرح نو، 1380).

17. خبرگزاری فارس، 1390/1/27.

18. محمدعلی زکریایی، پیشین، ص 31.

19. در:

<http://www.hawzah.net/fa/ArticleView.html?Articleid=63687&Subjectid=59842>